

بررسی مؤلفه های فقه سیاسی در راستای تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

عذری زارعی

دکتر سید جواد خاتمی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه حکیم سبزواری

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

اداره جامعه بنابر ضرورت احتیاج به حکومت است و حکومت پسندیده در جامعه اسلامی باید اسلامی باشد و حاکم این حکومت ولی فقیه است لذا این حکومت برای اداره جامعه احتیاج به قوانین منظم و مدون دارد. از طرفی دین اسلام احکامی را برای سعادت بشر قرار داده که خود چند دسته بودند از جمله آن ها احکام حکومتی است. احکام حکومتی بنابه مقتضیات و شرایط زمانه تغییر پذیر است و چون به طور مستقیم از سوی شارع این احکام و قواعد مربوط به آن ها بیان نشده مراجع تقلیدی که از کارهایی که انجام می دهند فتوا و مشخص کردن احکام حکومتی است. از جمله قوانین احکام و قواعدی که مربوط به اداره حکومت است فقه سیاسی می باشد که خود از نظر قرآن و روایات و عقل جایگاه محکمی دارد و مستدل و مستند است. در تبیین بیانیه گام دوم انقلاب رهبر معظم چنین فرمایش کرده اند که فقه سیاسی رابطه مستقیم با بینش سیاسی و تحلیل سیاسی دارد، فهم احاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین الملل به گونه شگفت آوری ارتقا یافته است. فقه سیاسی در صحبتهای ایشان در بیانیه ی گام دوم انقلاب به دو بخش تقسیم شده: بخش اول بخشی از فقه است که به امورات سیاسی و اداره سیاسی کشور می پردازد و بخش دوم بابی از ابواب عملی فقه که به اداره زندگی مردم مربوط است. ایشان موضوع فقه سیاسی را تعیین حدود الهی در حوزه های رفتاری مختلف زندگی سیاسی می دانند، که در این نوشتار بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر گرفتن چشم اندازهایی به عنوان غایات «بیانیه»، به بررسی مؤلفه ها، شرایط ولایت سیاسی فقها و ارکان فقه سیاسی برای «نظام سازی اسلامی» می پردازد.

واژگان کلیدی: فقه سیاسی، مسائل فقه سیاسی، ولایت سیاسی، بیانیه گام دوم



مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ی مهمی است که به نظر می‌تواند یکی از اسناد فقه سیاسی در آینده به شمار برود و در صورتی که اهتمام لازم به آن صورت بگیرد ان شاء الله می‌تواند برکات بسیار زیادی را به ارمغان بیاورد. متن فقه ما برای اداره‌ی یک جامعه است، همان‌طور که امام راحل (رحمه‌الله) می‌فرمودند: «فلسفه‌ی فقه، اداره‌ی امور یک جامعه از گهواره تا گور است»، منتها اینکه در هر زمانی متناسب با گویش، ادبیات و مقتضیات خاص آن زمان خواسته‌های شارع مقدس در بخش اداره‌ی جامعه بازخوانی بشود، تاریخ اندیشه سیاسی فقهای شیعه؛ از قبیل اندیشه سیاسی شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی، طبرسی، فقه را فهم و استنباط مقررات عملی اسلام از منابع و مدارک یعنی قرآن سنت، اجماع و عقل تعریف کردند در اسلام فقه شامل: فقه سیاسی، فقه در اقتصاد، فقه در اعتقادات و... می‌باشد. فقه سیاسی آن است که عملکرد سیاسی و اجتماعی مسلمانان در زمانی که احکام حکومتی هستند بیشتر نمود پیدا می‌کند زیرا که جایگاه آن حکومت و قوانین اجرایی آن است لذا از نظر جامعیت و سندیت جایگاهش مشخص است و می‌دانیم که با توجه به عصر زمان تبیین می‌شود مثلاً دیدگاه فقه در خصوص انتخابات تفکیک قوا، مشروعیت، جایگاه دستگاه اجرایی و... است. فقه سیاسی شرایط، احکام و ویژه خود دارد از جمله قدرت، عدالت، فقاہت و از آثار آن ظلم ستیزی است. از آن جا که عملکرد سیاسی و مدنی مسلمانان باید براساس منابع اسلامی تنظیم شود فقیه از یک سو باید نهادهای سیاسی و اجتماعی مورد بحث خویش و تناسب آن را با زمان تعیین کند و به جامعه ارائه دهد.



۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سیاست

سیاست صفت نظم و مذکر جمع سیاسی (ابن منظور، ۱۳۰۸ق، ج ۳، ص ۷۸)

سیاست: اقام علی شیء یصلب؛ اقدام شایسته به کاری انجام دادن سیاست به معنای شیوه درست، مدیریت جامعه بشری. (شیخ طبرسی، ۴۱۳ق، ص ۴۷۸) (دهخدا، ۱۹۳۱م، ص ۹۲۶)

رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاست را هدایت انسان ها، حفظ مصالح و تامین صلاح و سعادت حقیقی آدمیان می داند. بر این اساس، سیاست هم حق همگانی است و هم مسوولیت عمومی. بدین سان، مجریان سیاست در اصل، تمام افراد جامعه هستند که در این امر، یعنی تدبیر سرنوشت عمومی خویش، مشارکت دارند. هدف و مقصد سیاست نیز راه بردن افراد بر مبنای عدل و عقل در مسیر کمال انسانی برای رسیدن آنها به حقوق حقه خویش و خیر و سعادت راستین است. (آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) سیاست از منظر رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸)

۱-۲- فقه

فقه الفاء، القاف، الها، اصل واحد صحیح. (ابن فارس، ۱۴۲۹، ص ۷۹۴)

هو التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد، به معنای فهم و هوشیاری علم و دانش بیشتر به عمل و دانش بینی اطلاق می شود. بنابراین که فقه یک علم باشد و به علم استنباط احکام شرعی از روی رای و اجتهاد فقه اطلاق می شود. (طبرانی، المعجم، ۱۴۰۵ق، ص ۱۵۰۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱۶، ۶۴۲)



۲- مؤلفه های فقه سیاسی

۲-۱- جامعیت

به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشم گیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند. ارتقاء شگفت‌آوری بینش سیاسی آحاد مردم بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشن فکر، بیرون آورد؛ این گونه، روشن فکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و ونهالان، روشن و قابل فهم گشت. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۲)

علم فقه بیانگر استنباط احکام و تکالیفی است که مسلمین مکلف به رعایت آن می باشند این احکام در اصطلاح فقهی به احکام خمس یا احکام پنج گانه مشهور است. درنگاهی دیگر فقه همان حقوق اسلامی در ابعاد وسیع آن است. همان طور که در حقوق انشعابات مختلفی وجود دارد فقه نیز دارای این انشعابات بوده و لذا فقه عبادی فقه قضایی فقه سیاسی را می توان نام برد. (شکوری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶)

علم سیاست عبارت است از دانشی که به کارگیری آن امکان اداره و تنظیم مجموعه امور از جامعه را فراهم می کند و سبب رشد و ارتباطات صحیح نسبت میان امور جامعه می شود. در جامعه



و فرهنگ اسلامی عنصر هدایت و سرپرستی و اداره شئون فرهنگی، ارتباطی و اقتصادی جامعه اسلامی و تامین مصالح دنیوی مستلزم آگاهی و اشراف بر احکام هدایت و شناسایی مصالح و مفاسد مبتلا به فرد و جامعه است که بی شک جز با کمک گرفتن از منبع وحی قابل تأمل نیست. علم فقه باتمین بخش وسیعی از احکام سیاسی و اجتماعی که به فقه سیاسی مشهور است با علم سیاست پیوند عمیق و الهام بخشی برقرار می‌سازد. (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۳۱)

امام خمینی می‌فرماید: حکومت در منظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با همه اعضا اجتماع، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۱۰۱)

اگر اندیشه سیاسی اظهاریه تفکری متصف به سیاست است اما در اصطلاح به مجموعه باورهای فلسفی کلامی فقهی اخلاقی و تجربی گفته می‌شود که در یک رابطه طولی به تدبیر زندگی سیاسی آدمیان معطوف است کما این که نظریه سیاسی الگوی منسجمی است که از درون اندیشه سیاسی خاص در پی بدست آوردن راه حل عقلانی برای بحران‌های سیاسی اجتماعی است بنابراین اندیشه سیاسی ضرورتاً پیش فرض معرفتی و ارزشی دارد. اندیشه سیاسی دوطیف علمی و مهم دارد از یک طرف از مبانی معرفتی و فرهنگی ارتزاق می‌کند که مجموعه از باورها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه سیاسی است و از سوی دیگر با نظریات جامع‌شناسی مرتبط است که مجموعه‌ای از راه حل‌های معطوف به مسائل و بحران‌های سیاسی اجتماعی است. بدین لحاظ هنر اندیشمند سیاسی ایجاد تعامل منطقی عقلانی و منسجم بین دو حوزه باورها و بحران‌ها، ن ظری یا عملی، ذهن و عین، حقایق و واقعیت‌ها، اعتقادات و الزامات زمان، جامعه آرمانی و جامعه زمینی است. بنابراین لازمه تولید اندیشه سیاسی ابتدا فهم درک دو حوزه ارزش‌ها و بحران‌های سیاسی و در مرحله بعد ایجاد تعامل مستدل بین این دو است لذا در طول تاریخ اندیشمندان سیاسی همواره تک ستارگانی اند که مشکلات و بحران‌های زمان را از درون میراث فرهنگی بازخوانی منطقی می‌کنند و طرحی



نو درزندگی سیاسی می اندازند و در نهایت الگویی کارآمد برای جامعه بحران زده عرضه می کنند. برای مثال اندیشه جمهوری اسلامی امام خمینی برای بحران مشروعیت نظام پهلوی دارای مشخصات و ویژگی فوق است. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۶۰)

۲-۲- مستدل و مستند بودن

فقه سیاسی اسلام عنوانی کلی است که امروزه بر مباحثی از قبیل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، امور حسبی، امامت و خلافت، نصب امرا و قضات، مأمورین جمع آوری وجوهات شرعیه، تألیف قلوب، دعوت به اسلام، جمعه و جماعات، آداب خطبه ها و برگزاری مراسم عید، صلح و قرارداد با دولت های دیگر، تولی و تبری، همکاری با حاکمان و نظایر آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است که به آن ها «احکام سلطانیه یا فقه سیاسی» گفته می شود. به این ترتیب فقه سیاسی شامل آن دسته از مباحث حقوقی می شود که تحت عناوینی چون حقوق اساسی و حقوق بین الملل و نظایر آن مطرح می گردد. (عمید زنجانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹) فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیر مسلمان عالم بر اساس قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را منحصراً در سایه توحید عملی می داند لذا فقه سیاسی در عمل به دو بخش عمده تقسیم می شود:

الف) اصول و قواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون امتی جامعه اسلامی .

ب) اصول و قواعد مربوط به سیاست خارجی و تنظیم روابط بین الملل و جهان اسلام. (شکوری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱)

۲-۳- ظلم ستیزی

اینکه ائمه معصومین (ع) یک حرکت سیاسی تشکیلاتی وسیع و گسترده را انجام می دادند با این که این همه شواهد وجود دارد این نا گفته مانده و ذکر نشده و شکل اساسی مهم زندگی ائمه



(ع) است. حقیقت این است که ائمه این کار را شروع کردند همیشه ائمه به مجرد این که بارامانت را تحویل می گرفتند یکی از کارهایی که شروع می کردند یک مبارزه سیاسی بودیک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت این تلاش سیاسی مثل همه تلاش هایی است که آن کسانی که می خواهند یک نظامی را تشکیل بدهند انجام می دهند و این کار را هم ائمه معصومین می کردند. تمام نزاعی که شما در طول دوران زندگی ائمه بین آن ها و دستگاه های ظلم و جور مشاهده می کنید بر سر همین قضیه است آن هایی که با ائمه مخالفت می کردند، آن ها را مسموم می کردند مفقود می کردند زندان می انداختند محاصره می کردند دعوایشان بر سر داعیه حکومت ائمه بوده است. اگر ائمه معصوم داعیه حکومت نداشتند ولا اولین و آخرین راهم به خودشان نسبت می دادند اگر بحث قدرت سیاسی نبود هیچگونه تعرضی نسبت به آن ها انجام نمی گرفت در بین دعوت ها و تبلیغات ائمه روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است وقتی که امام صادق (ع) می خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند می گویند: «ایها الناس ان رسول الله کان امام، امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا بود واقف به خودش یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و مبارزاتشان همین مسئله حکومت و حکمیت و ولایت مطلقه عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. اغلب اوقات اتفاق می افتاد که کسانی در جامعه زمان خلفاء اهل زهد بودند و اهل علم و معروف به تفسیر به علم اما خلفاء به آن ها نه فقط معارضه نمی کردند بلکه مخلص آن ها بودند و اظهار ارادت نسبت به آن ها می کردند. (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۲۸) (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۱۱/۲)

۲-۳-۱- مرگ تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی اسلامی

یکی از بزرگ ترین عوامل انحطاط جوامع بشری این است که طرز تفکر افراد و جامعه در مورد مبارزه و مقابله با ظلم و ستم و طرز تصور آن ها در مورد عدالت و عدالت خواهی بمیرد. در این صورت جامعه در برابر ظلم و ستم تسلیم می شود و ظلم و ستم را می پذیرد و لذا اشرار و بدترین افراد بر جامعه مسلط می گردند. امام علی (ع) در بخشی از سخنان خویش تفاوت آگاهانه و ترک امر



به معروف ونهی از منکر را دلیل اصلی سقوط تمدن‌ها می‌داند. «امربه معروف ونهی از منکر را ترک نکنید که تبه‌کاران بر شما چیره می‌شوند». (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۳۷) نه تنها ترک ظلم ستیزی و مرگ تفکر عدالت خواهی باعث سلطه اشرا و ستمگران بر جامعه می‌گردد بلکه شریعت و دین و در واقع تفکر دینی و مذهبی نیز قوام و پایه خود و در نتیجه قدرت پویایی خود را از دست می‌دهد. در دوران سلطه خاندان پهلوی بر این مرز و بوم تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی در جامعه ایرانی مرده بود هیچ ندایی از جایی بلند نمی‌شد هیچ امری برای تحقق معروفی و هیچ نهی برای جلوگیری از منکری جز موارد جزئی در زمینه ظلم ستیزی و عدالت خواهی صورت نمی‌گیرد. امام خمینی با مطالعات دینی و اسلامی خود و درک مسئولیت عالمان متعهد اسلامی به عنوان یک دانشمند متعهد و مسئول از همان آغاز حرکت علمی خویش در حوزه علمیه، مرگ تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی را در جامعه آن روز احساس کرد و سعی کرد جوانب این امر را به دقت مورد شناسایی قرار دهد و علل آن را کشف نماید. آنگاه به مقابله با علل و عوامل مرگ این نوع تفکر پردازد و از سوی دیگر نیز با مواظب پی در پی، پیام‌ها، نامه‌ها و مکتوبات و آثار خویش در احیاء آن بکوشد. امام امت مرگ تفکر ظلم ستیزی را هم در جامعه ایرانی می‌دید و هم در جوامع جهانی و سراسر جهان. (سایت امام خمینی ر.ک، صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۲۳)

۲-۴- تناسب با مقتضیات زمان

بعد از زمان حضور اداره و مدیریت جامعه به دست فقیهان عادل و اسلام شناس است فقهای شیعه از آن جا که ولایت و حکومت را بعد از زمان معصوم متعلق به خود می‌دانند همواره با حکام زمان خویش در تنازع بوده و هیچ گاه حکومت آنان را مشروع نمی‌دانستند زیرا در زمان غیبت حکومتی مشروعیت دارد که به دست فقیه عادل بوده یا از طرف او منصوب باشد اگر هم گاهی فقها با حکومت‌ها همکاری داشتند صرفاً در ابعاد قضایی و فتوایی بوده است زیرا رشته قضا و فتوا فنی است که فقط فقها علم و توانایی اجرای آن را دارند. حکام نیز به ناچار این امور را به فقها واگذار نمودند تا از این طریق گرفتاری کمتری داشته و نوعی مشروعیت ضمنی هم برای خود کسب کنند.



نیازمبرم مردم به حل و فصل اختلاف که معمولاً با دردهای برای دولت ها همراه بوده سبب می شود که حکومت ها برای رهایی از این مشکل بزرگ اجتماعی از هر نوع راه حل ممکن سود برند و عملاً به تفکیک قضاوت از امور سیاسی دولت صحنه گذارند و تا آن جا که رتق و فتق امور قضایی به سیاست و حاکمیت آنان خللی وارد نمی ساخت با آنان درگیر نمی شدند. (عمیدزنجانی، بی تا، ج ۸، ص ۱۶)

۲-۴-۱- جهان و تحولات مهم آن

مقتضیات، تحولات و بحران های هر عصری متفاوت از تحولات عصر دیگر است و انسان عاقل باید مسئله مهمی را که بداند زمان شناسی است علم زمان شناسی و جامعه شناسی را به خوبی بداند تا بتواند متناسب با آن احوالات در قالب سیاست های رفتاری و حکومتی خود اندیشه و عمل متناسب را ارائه دهد مثل عصر امام خمینی که تحولات سیاسی در سه حیطه بروز کرده بودند.

الف) جهان و تحولات مهم آن: حیات و زندگی امام خمینی مقارن با تحولات سیاسی مهم در قرن بیستم بوده است. تغییرات و موضوعات اساسی جهان که در اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی تاثیر گذار بوده است.

ب) جهان اسلام و مسائل مهم آن: در پی زوال امپراطوری عثمانی زمینه برای ظهور دولت های کوچک ملی در جهان اسلام و ازسوی دیگر امکان تسلط آسانتر دوول اروپایی بر آنان فراهم شد. با آن گاه تهاجم فرهنگی سلطه سیاسی و اقتصادی غرب فقر و گسترش بی سوادی ترویج سکولاریسم ترویج فرهنگ برهنگی غربی یکی پس از دیگری ضربه مهلک خود را بر فرهنگ و تمدن اسلامی روبه زوال وارد آوردند. استعمار و استبداد آن چنان حقارتی بر مسلمانان وارد کردند که نمی توان آن را با هیچ زمانی حتی جنگ های صلیبی و مقول مقایسه کرد اما این باعث شد که اندیشمندانی چون امام خمینی به فکراحيای تمدن اسلامی باشند و در واقع حرکت اصلاحی و انقلابی امام خمینی ادامه حرکت های اصلاحی و اسلامی بود که در طول بیش از یک قرن مبارزه



به علل مختلف به ثمرنرسیده بود و از این رو ایشان برای علل عقب ماندگی و وابستگی جهان اسلام طرحی نو در انداخت و از متن میراث اسلام شیعی نسخه ای موثرنوشت که در نهایت منجر به انقلاب اسلامی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی شد. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۹۲)

ایمان دینی باید با معرفت همراه باشد؛ معرفت دینی چیست؟ همین مطلبی که مرحوم مدرّس فرمود که «دیانت ما عین سیاست ما است، سیاست ما عین دیانت ما است»، (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹) باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و ظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه سازی هم دارد، تمدّن سازی هم دارد؛ باور به نفی این ها جایگزین شود. این ها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد. می خواهند باور به استقلال را عوض کنند. می بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه شده می دانند و می گویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه جغرافیا جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می گیرد و همه عمل می کنند مثل حرارت مرکزی یک جایی یک چیزی تولید می کند، بقیه مصرف می کنند. این را دارند ترویج می کنند؛ نفوذ یعنی این البته این کاری است که دارد انجام می گیرد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

۲-۴-۲- یگانگی دین و سیاست

اسلام دینی سیاسی است و به فرموده حضرت امام آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارد در سایر چیزها ندارد لکن انگیزه حکومت اسلامی بسط عدالت اجتماعی است «اسلام برخلاف سایر مکاتب غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی دخالت دارد و از هیچ نکته ای ولو ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی آن موثر باشد فروگذار نکرده است لذا پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی.



(رنجبر، ۱۳۹۲، ص ۵۸) (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲)

۲-۴-۳- رابطه مسجد و سیاست

اولین و مهم ترین نهاد دینی مسلمانان مسجد است. مسجد مکان عبادت و راز و نیاز نمازگزاران است ولی در طول تاریخ محرابش محل جنگ با شیطان و طاغوت و محل بررسی مسائل سیاسی و حکومتی نیز بوده است. مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مربوط به جنگ ها مربوط به سیاست مدنی این ها همه در مسجد درست می شده است. شالوده اش در مسجد ریخته می شده است در زمان رسول خدا و در زمان های دیگران و در زمان حضرت امیر (ع). (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲)

۲-۴-۴- رابطه دین و حکومت

مهم ترین و ابتدایی ترین بحث امام در رابطه نهادی دیانت و سیاست ضرورت حکومت است به اعتقاد امام ضرورت حکومت برای ایجاد نظم جلوگیری از هرج و مرج و اجرای احکام اسلامی بر کسی پوشیده نیست حکومت فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است. گذشته از ضرورت حکومت امام به ماهیت، کیفیت و نسبت حکومت با احکام دینی نیز عنایت داشته به عبارت دیگر فرامین و مقررات دینی به حکومت هویت می دهد حکم قانون است غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد برای هیچکس حکومت نیست نه فقیه و نه غیر فقیه همه تحت قانون عمل می کنند در اسلام قانون حکومت می کند پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۸ و ۱۱۷)

۳- شرایط ولایت سیاسی فقها

۳-۱- فقاہت

از نظر امام خمینی (ره): حکومت اسلامی چون حکومت قانونی است و حکومت قانون الهی



است رهبر این حکومت دو ویژگی باید داشته باشد علم به قانون و عدالت که وی علم به قانون فقهی عدالت و کفایت سیاسی را برای حاکم اسلامی شرط دانسته اند. ماهیت حکومت اسلامی از منظر امام خمینی حکومت فقهی است به عبارت دیگر اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر عقلانیت معطوف به فقه است لذا مهم ترین ویژگی حاکم اسلامی فقاہت است زیرا اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست چون اگر تقلید کند قدرت حکومت شکسته می شود بنابراین زمامدار باید شرط فقاہت و اجتهاد را داشته باشد.

۳-۲- کفایت

از منظر امام اداره جامعه پیچیده است و بدین جهت نیاز به تدبیر شعور سیاسی و بینش سیاسی عمیق دارد از این رو می گویند یک مجتهد باید زیرک باهوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی را داشته باشد و مدیر و مدبر باشد. امام علت شرایط سخت برای ولی فقیه به علت طبیعت پیچیده حکومت است. اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی می باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه هاهم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص بدهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را بدست گیرد. (موسوی خمینی، ج ۲۱، ص ۳۰)

۳-۳- عدالت

آن اوصافی که در ولی فقیه است با آن اوصاف نمی شود پایش را یک قدم غلط بگذارد اگر یک کلمه دروغ بگوید یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد، آن ولایت را دیگر ندارد فقیهی که این اوصاف را دارد عادل است عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می اندازد یک گاه به نامحرم او را از عدالت می اندازد. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۲)



۳-۴- شجاعت

درفرمان مالک اشتر که جامع ترین فرمان الهی سیاسی برای کشورداری است در موارد متعددی به مسئله شجاعت اشاره شده دریک جا حضرت علی (ع) به مالک هشدار می دهد که افراد ترسو و حریص را جزء مشاوران خود قرار ندهد و می فرماید رابطه خود را با افراد باشخصیت، اصیل و خاندان های صالح و خوش سابقه برقرار ساز سپس با افراد شجاع و با شهامت و سخاوتمند، بزرگوار همکاری داشته باش چرا که آن ها کانون بزرگواری و مرکز نیکی هستند در این جا امام (ع) مسئله شجاعت و شهامت را از اصول اساسی صفات برجسته انسانی و فرماندهان لشکر یا کارگزاران به طور عام شمرده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۳) مدیر باید انسانی دلیر حقیقت جو و دفاع کننده از حق و درستی باشد. شجاعت یعنی میل به حق گویی و دفاع از حق، فرد شجاع کسی است که آن چه حقیقت دارد را بازگو و عمل کند و از دفاع از حق نهراسد علاوه بر آن شجاعت یعنی خطر پذیری و قبول عواقب و آثاری که احتمالاً از انجام یک کار ممکن است بر جای بماند مسئولیت آن را تا حدی که به آن ها اجازه داده است و به او مربوط می شود می پذیرد شجاعت پایه هرم صفات انسانی است زیرا این صفت تکیه گاه صفت های دیگر است. رهبران بزرگ می دانند که با مردم چطور برخورد کنند، چطور صحبت کنند و چطور با جوامع و ملت ها برخورد کنند در عین حال اگر لازم باشد موضع قاطع خود را نیز باتمامی مخالفت ها ابراز می کنند رهبری که شجاع باشد موجب می شود پیروانش نسبت به فرامین او متعهد و غیرتمند شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۶)

۳-۵- بینش سیاسی

کیاست به معنای زیرکی و در حوزه سیاست همان مهارت در فن سیاست است. ضرورت کیاست یک ضرورت عقلایی است و اساساً رعایت مصالح معتبر در فقه سیاسی و قواعد فقه سیاسی در عمل به کیاست مکلف وابسته است چه بسا مکلف تصور کند عمل سیاسی اش اسلامی است



ولی به دلیل بی کیاستی در مرحله تطبیق ناتوان باشد در تاریخ اسلام شکست مسلمانان به دلیل بی کیاستیشان بیش از شکستشان به دلیل قوت نیروی دشمن بوده است از این رو کیاست یکی از ویژگی های مهم مومن شمرده شده است. چنان که رسول خدا در روایتی می فرماید: مؤمن باکیاست باهوش و محتاط است. کیاست در فقه سیاسی به این معناست که تنها آگاهی از حکم کافی نیست و آگاهی از موضوع حکم نیز ضروری است. تفاوت فقه سیاسی با دیگر ابواب فقه در این است که در ابواب دیگر فقه احکامی وجود دارد که مطلوب اجرای آن احکام است در حالی که در فقه سیاسی وضعیتی مطلوب در دین تصویر شده است که عمل سیاسی باید حرکت به سمت حصول آن وضعیت باشد و این مستلزم کیاست است از ضرورت کیاست حکم دیگری به دست می آید و آن وجوب برنامه ریزی است تا حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب تصویر شده در دین به درستی انجام شود و انحرافی در حرکت صورت نگیرد. (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹)

۳-۶- قدرت مدیریت

رهبر انقلاب اسلامی دریکی از سخنرانی های نوروزی خود قوی شد کشور را مستلزم داشتن اقتصاد قوی به همراه مدیریت قوی می دانند. راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخار آمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله ای این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)



۳-۷- تدبیر و توان اداره کلان جامعه

الف) توسعه قسط

یکی از مهم ترین سیاست های کلان در فقه سیاسی است. وقتی از توسعه قسط به عنوان یک سیاست کلان نام می بریم منظور از سیاست کلان از جهتی به یک حکم شبیه است. زیرا باید محقق شود ولی تفاوت آن با حکم این است که نمی توان آن را بی واسطه اجرا کرد. سیاست کلان وضعیت عام مطلوبی است که جهت کلی را در مقام عمل نشان می دهد. وقتی قیام به قسط به عنوان قاعده فقهی به کار می رود به عمل موینی از اعمال مؤمن توجه می شود ولی وقتی که از توسعه قسط با عنوان سیاست کلان یاد می شود وضعیت معینی در نظر است که اعمال سیاسی باید به منظور به فعلیت رساندن آن وضعیت مطلوب جهت داده شوند توسعه یافتگی قسط وضعیتی اجتماعی است که در آن وضعیت حقوق و تکالیف شناخته شده و قانونمند گشته اند. (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰)

ب) توسعه چرخه گردش ثروت

یکی از وجوه توسعه قسط است. ثروت در هر جامعه ای در حال جریان است این جریان مقوم ارزش ثروت و موجب حرکت آن در اقتصاد جامعه است. در حقیقت این جریان ثروت کالاهای مصرفی انتقال آن ها به مراکز مصرف خدمات رسانی و هر گونه عمل اقتصادی هماهنگ است. توسعه چرخه ثروت یک حکم فقهی نیست زیرا ثروت جامعه در اختیار شخص خاصی نیست تا وی آن ثروت را در میان همه سطوح جامعه پخش کند حکومت نیز نمی تواند چنین کاری کند زیرا در این صورت جریان ثروت جریانی تصنعی خواهد بود و با جریان تولید انتقال کالا و عرضه خدمات هماهنگ نخواهد شد لذا توسعه چرخه ثروت یک سیاست کلان است که با تنظیم مصرف اموال عمومی، تنظیم بازار کار و مسائل بسیار دیگری دست می آید. برنامه ریزی برای این امر البته هر سیاست کلان دیگر در فقه سیاسی بر عهده ولی امر است. (همان، ص ۱۶۰)



۴-۱-۱ ارکان فقه سیاسی

۴-۱-۱-۱ قدرت

بشر از وجود قدرت سیاسی بی نیاز نخواهد بود زیرا وجود نظم جامعه انسانی و تحقق قوانین بستگی به وجود قدرت دارد کشور و جامعه ای که قدرت و حاکمیت در آن وجود نداشته باشد گرفتار هرج و مرج و جنگ های خانمان سوز خواهد شد. در جهان معاصر ضرورت قُدرت سیاسی بیشتر احساس می شود زیرا در صورت نبود نظارتی قدرتمند فعالیت های اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی این امور به طور صحیح پیش نخواهند رفت بنابراین هر عاقلی وجود قدرت را برای ادامه زندگی جامعه بشری ضروری می داند. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱)

الف) قدرت از منظر قرآن و روایات

از نظر قرآن و روایات اسلامی قدرت حاکمیت اصلی مهم برای حکومت جامعه قلمداد می شود از جمله آیاتی که مصداق این سخن هستند «الَّذِينَ إِخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْ دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ مَسَاجِدُ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ آن ها کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن ها قدرت دادیم نماز را برپا دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند.» (حج، آیه ۴۱) کسانی که قدرت سیاسی را به عهده دارند می توانند جامعه را از گزند حوادث و نااملازمات دور نگه دارند خداوند مومنان را موکلف می کند هنگامی که قدرت را در دست دارند و به حکومت می رسند به اصلاح جامعه پردازند. در این صورت به پاداشتن نماز ادای زکات امر به معروف و نهی از منکر و... همه بانظم و تشکیلات بهتری انجام می شود. (همان، ص ۱۲۵) امام علی (ع) درباره ضرورت قدرت و حکومت می فرماید: امت باید پیشوایی داشته باشد که قیام به کارهای آن ها کند بر آن ها امر و نهی نماید و حدود الهی را در میان آن ها برپا دارد با دشمن پیکار کند غنائم را عادلانه تقسیم نماید واجبات را تحقق بخشد و ابعاد صلاح آن ها را به آنان نشان دهد و از آن چه برای آنان زیان بخش است



بر حذر دارد زیرا امر و نهی یکی از اسباب بقای خلق است، اگر نه تشویق و ترس از بین می رود و هیچ کس از گناه نمی ایستد و نظام جامعه فاسد می شود و این سبب هلاک بندگان خدا می شود. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۴۱) ملاحظه می شود که امام به نکات مهم ضرورت قدرت و حکومت مانند امور نظامی، اقتصادی، فرهنگی و امر و نهی حکومتی اشاره می کند که بدون پشتوانه قدرتی سازمان یافته سامان نمی یابد امام امر و نهی حکومت را باعث بقای امت می داند زیرا اگر قدرت اجرای حکومت نباشد زورمندان حقوق ضعیفان را پایمال کرده و نظام جامعه از هم پاشیده و سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)

ب) قدرت از منظر عقل

از نظر عقل زندگی انسان اجتماعی است به گونه ای که اگر حیات انسانی از این ویژگی خالی شود به پایین ترین مراحل جاهلیت سقوط می کند زیرا تمام منافع و آثار مفید و سازنده در زندگی بشری مانند تمدن و پیشرفت و تکامل علوم و فنون و صنایع گوناگون و... از برکات زندگی اجتماعی است هر چند زندگی اجتماعی فطری است اما به دلیل جلب منافع خالی از کشمکش هائنازع ها و تصادم ها نیست زیرا هر کس به دنبال نفع بیشتر است این منفعت طلبی گاه باعث تضییع حقوق دیگران می شود از این رو که انسان در تشخیص حقوق دچار اشتباه می شود لذا زندگی اجتماعی نیاز به قوانین پیدا می کند تا به کمک آن حدود و حقوق هر کس مشخص شود و راه را برای تعدی و تجاوز و منازعات ببندد. لذا در زمان کنونی ضرورت قدرت سیاسی و کاربرد آن در هدایت و جهت دهی مردم بیشتر نمایان است. زیرا دولت از طریق رسانه های جمعی، تبلیغات و نهادهای فرهنگی و... توانایی بیشتری در تکامل و رشد مردم در ابعاد مختلف زندگی آن ها دارد بنابر تجربه انسانی و هم چنین راهنمایی عقل جامعه انسانی بدون قدرت سیاسی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. (همان، ص ۱۲۱) (منصورنژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۹)



۴-۱-۱- کسب قدرت

اگر در فقه سیاسی وجود قدرت ضرورت دارد به طبع آن کسب قدرت نیز ضرورت دارد. زیرا بدون به دست آوردن قدرت و حکومت آرمان های اسلامی قوانین و عدالت اجتماعی نیز تحقق نمی پذیرد. از آیات مختلف در قرآن بنابر دلالت ضمنی چنین استفاده می شود که برای اداره جامعه در ابعاد مختلف از قبیل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، قضایی و اطلاعاتی نیاز به قدرت و کسب آن است و بدون آن اداره جامعه ممکن نخواهد بود. برای انتظام دادن به این امور نیاز به وجود یک قدرت برتر است و این در صورتی محقق می شود که قدرت را کسب نموده و آن را اعمال کنیم مثلاً عدم وجود قدرت در امور قضایی که رکنی از ارکان قدرت و دولت است سبب می شود مداخلات حل و فصل نشده و حقوق مردم پایمال گردد قرآن مقدس کسب قدرت و اعمال آن را لازم شمرده، در احکام قضایی ملاک را فقط حق قرار داده است «ما این کتاب رابه حق بر تو نازل کردیم تا به آن چه خداوند به تو آموخته است در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت مایی». (مائده، آیه ۳۳) (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱) (منصورنژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۴)

۴-۱-۲- تأسی به سیره سیاسی پیامبر اسلام

کسب قدرت بالحفاظ اقتدای به پیامبر لازم است زیرا باید طبق عملکرد آن حضرت گام برداشت. عملکرد پیامبر در کسب قدرت رامی توان به دو قسمت تقسیم کرد: قسمت اول، مربوط به کارهای پیامبر در مکه است که مرحله تکوین نامیده می شود و قسمت دوم مربوط به فعالیت های آن حضرت در مدینه است که مرحله تاسیس قدرت آن حضرت می باشد.

فعالیت های رسول گرامی در مکه:

الف) تاسیس حزب افراد هوشمند و زیرک هر جامعه ای هرگاه در پی کسب قدرت باشند فعالیت های خود را از نقطه ای کوچک آغاز می کنند تا به تدریج به اهداف بلند و دراز مدت خود برسند



رسول گرامی از این اصل استفاده نمود و با تاسیس حزب پنهانی بناهای قدرت اسلامی را پایه ریزی نمود. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶)

ب) با جذب و تربیت افراد با ایمان و متعهد زمینه علنی نمودن حزب پیامبر فراهم گشت لذا خداوند پیامبرش را دستور می دهد که هدف را آشکار کن.

ج) فعالیت های سیاسی: پیامبر (ص) بعد از اعلان رسالتش با بزرگان و سران قبایل تماس می گرفت و با آنان ملاقات می کرد و از آنان می خواست که بپذیرش اسلام به جمعیت او بپیوندند. از فعالیت های سیاسی پیامبر که در تحقق اهداف آن حضرت مؤثر بود ارتباط برقرار کردن آن حضرت با مردم مدینه در مراسم حج بود که به قصد زیارت خانه خدا در مکه آمده بودند. (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۴۵)

د) استقامت پیامبر و یارانش: در مسیر کسب قدرت ممکن است مشکلات و موانع بسیاری وجود داشته باشد کسی می تواند بر مشکلات و موانع غالب آید که برای رسیدن به هدف اراده قوی داشته، استقامت و پایداری را سرلوحه کار خود قرار دهد طبق عمل پیامبر اسلام که در برابر دشمنان ظاهراً قوی ایستادگی نمودند و جز از خداوند از احدی نترسیدند.

فعالیت سیاسی پیامبر در مدینه:

الف) تاسیس مسجد: در مدینه ساخت مسجد به دست رسول گرامی بیانگر توحیدی بودن نظام سیاسی اسلام است و نشان دهنده اهمیت دادن اسلام به امور معنوی است.

ب) بستن پیمان برادری: قدرت هر نظام سیاسی بستگی به اتحاد و همبستگی مردم دارد لذا حضرت برای محفوظ ماندن قدرت اسلامی از خطر اقدام به عقد اخوت بین مردم نمود.

ج) تدوین قانون اساسی: یکی از کارهای مهم هر نظام سیاسی تدوین قانون اساسی برای تحکیم و



تثبیت قدرت و انتظام امور مردم است. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸) (منصورنژاد، ۱۳۸۴، ص ۷۷)

۴-۲- عدالت

از دیدگاه فقه سیاسی عدالت اجتماعی نیز همانند توحید در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و حقوقی تجلی دارد قرآن احادیث عقل و سیره رسول گرامی اسلام وائمه اطهار (ع) که از منابع فقه سیاسی می باشند عدالت اجتماعی را بالاترین ارزش حیاتی بشردانسته و اهمیت آن را به بشر گوشزد نموده اند. فقیه هنگامی که دارای ایمان قوی و مقام عدالت اخلاقی باشد اولاً: به هنگام استنباط احکام نهایت دقت را به خرج می دهد تا نزد خدا مسئول نباشد و ثانیاً حب و بعض ها و منافع شخصی و گروهی هرگز مانع او در جهت استنباط احکام نمی گردد به همین دلیل غالباً آن چه را به حق و عدالت نزدیکتر است و مطابق نظر شارع مقدس است استنباط می کند و به صورت مسائل فقهی در اختیار مردم قرار می دهد فقیه در برابر تمام دین مسئول است و فقی می تواند رأی صادر کند که بایکی از اهداف و مقاصد دینی ناسازگار باشد.

عدالت در امور سیاست زمانی جاری می شود که قدرت در موضع مناسب خودش قرار گیرد و به ناحق در دست کسانی که لیاقت لازم را ندارند تمرکز نیافته باشد. لذا عدالت با رعایت این امور محقق می شود:

الف) رعایت آزادی انسان ها آزادی در عقیده .

ب) رعایت حقوق انسان از قبیل کرامت انسانی کار و تلاش .

ج) مشورت در امور سیاسی .

د) آزادی احزاب

ه) اجتماعات

ز) حق مشارکت سیاسی (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۹) (رنجبر، ۱۳۹۲، ص ۶۲)



نتیجه گیری

فقه سیاسی نتیجه قرن ها سکوت و انزوای فقه شیعه در عرصه حکومتی و سیاسی اجتماعی است از زمان آغازین بخصوص زمان حضرت رسول و ائمه اطهار شیوه معصومین بوده ولی هم اکنون به نسبت زمانه تغییراتی داشته است. هدف از فقه سیاسی ارائه پاسخ های دین است برای حل معضلات سیاسی در عرصه زندگی اجتماعی بنابراین مؤلفه های فقه سیاسی جامعیت و مستند بودن آن هم چنین ظلم ستیزی و تناسب آن با مقتضیات زمان بارز و آشکار است و فقیه برای اداره حکومت اسلامی به عنوان کسی که ولایت و سرپرستی حکومت را دارد باید شرایطی را داشته باشد از جمله فقاها، عدالت، کفایت، شجاعت، بینش سیاسی، قدرت مدیریت، تدبیر و توان اداره کلان جامعه در امور سیاسی و حکومتی جامعه لذا فقه سیاسی نیز همانند سایر احکام ارکانی دارد که برای اجرای بهتر امور سیاسی مملکت وجود آن ها ضروری می باشد. قدرت و عدالت که از طریق آیات قرآن و روایات و هم چنین عقل اثبات شده اند از اقسام ارکان فقه سیاسی می باشند؛ در نتیجه فقه سیاسی معتقد است از آن جا که عملکرد سیاسی و مدنی مسلمانان باید بر اساس منابع اسلامی تنظیم شود فقیه از یک سو باید نهادهای سیاسی و اجتماعی مورد بحث خویش و تناسب آن را با زمان تعیین کند و به جامعه ارائه دهد. هدف و محصول فقه سیاسی ارائه پاسخ های دین است برای حل معضلات سیاسی در عرصه حیات جمعی. بر اساس این هدف، پاسخ گویی فقه سیاسی به معنی ارائه حکم نیست بلکه مراد، ارائه الگوهای دینی می باشد و مراد از الگوهای دینی، مجموعه ی طرح ها و برنامه هایی می باشد که اولاً منطق حجیت دینی در آنها رعایت شده باشد و ثانیاً با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی هر عصر از کارآمدی لازم نیز برخوردار باشند. بنابراین، فقه سیاسی معتقد است از آنجا که عملکرد سیاسی و مدنی مسلمانان باید بر اساس منابع اسلامی مذکور تنظیم و تدوین شود، فقیه از یک سو باید نهادهای سیاسی و اجتماعی مورد بحث خویش را تعیین کند و از سوی دیگر بررسی کند که چگونه این نهادها را می توان در گستره ای مبتنی بر منابع اسلامی استوار و سازوکار آنها را تشریح کرد.



منابع و مآخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف : کتب فارسی

- ۱- اخلاقی، غلام سرور، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰.
- ۲- حسنی، ابوالحسن، آموزه های سیاسی قرآن، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.
- ۳- خامنه ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله، قم، موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۹۳۱ م.
- ۵- رنجبر، علیرضا، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی در نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
- ۶- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، ج ۱، بی جا، نورا، ۱۳۷۴.
- ۷- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۸- امیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱ و ۸، بی جا، نشر امیر کبیر، بی تا.
- ۹- مقیمی، غلام حسن، اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۸.



- ۱۱- منصورنژاد، محمد، دین و دولت در اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۴ .
- ۱۲- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱ و ۱۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- ۱۳- موسوی خمینی، روح الله، البیع، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- ۱۴- نصرتی، علی اصغر، فقه سیاسی، بی جا، نشرهاجر، ۱۳۸۳.

ب: کتب عربی

- ۱۵- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۹ .
- ۱۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دارصادر، ۱۳۰۸ق.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق .
- ۱۸- شیخ حر عامل، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، باب امر به معروف ونهی از منکر، ج ۱۱ و ۱۵، تهران، ۱۴۱۴.
- ۱۹- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق .
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، فراهانی، ۱۴۱۳ق .
- ۲۱- علامه مجلسی اصفهانی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق .

ج: سایت:

- ۲۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۱۱/۲



۲۳-بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

۲۴-بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰.

۲۵-بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۲.

۲۶-سایت امام خمینی ر.ک، صحیفه امام، ج ۴. www.imam-khameini.ir.